

موضوع: کتاب الصلاة / ستر / پوشش زن در نماز

پوشاندن صورت در حال نماز

در جلسه گذشته در مورد پوشاندن موی سر صحبت کردیم ولی سخنی در مورد پوشاندن صورت ذکر نکردیم.

امروز موثقه سماعه را نقل می کنیم که در آن راجع به پوشش صورت صحبت شده است.

موثقه سماعه

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْحَسَنِ عَنْ زُرْعَةَ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: «سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْأَةِ تُصَلِّي مُتَّقِبَةً قَالَ إِذَا كَشَفْتَ عَنْ مَوْضِعِ السُّجُودِ فَلَا بَأْسَ بِهِ وَإِنْ أَشْفَرَتْ فَهُوَ أَفْضَلُ»^۱

مراد از «حسن» در سند، همان «حسن بن علی بن فضال» است.

این روایت موثقه است و از جهت سند معتبر می باشد.

راوی پرسیده است که آیا زن می تواند در حال نماز نقاب بزند؟ حضرت فرموده اند که اگر اگر زن، محل سجده را آشکار سازد و نپوشاند، مانعی برای داشتن نقاب وجود ندارد. مفهوم مخالف آن این است که اگر محل سجده را بپوشاند، این کار ممنوع است، زیرا نمی تواند سجده را به درستی انجام دهد. در ادامه روایت آمده است که به طور کلی، اگر این زن در حال نماز صورت خود را آشکار کند، افضل است.

من در فتاوا چنین چیزی ندیده ام؛ در فتاوی که از کلمات اصحاب در کتب «جواهر»، «ریاض» و «حدائق» مطالعه کردیم و در آن ها صرفاً نظر خود مؤلفان نیست، بلکه کلمات دیگر اصحاب نیز نقل شده است، چنین فتاوی را مشاهده نکردم. ولی این روایت، دلالت بر استحباب دارد. این امر بعیدی نیست؛ زیرا در حال طواف خانه خدا نیز زن نباید صورت خود را بپوشاند. ممکن است در اینجا نیز در حال نماز بگوییم که افضل است صورت را نپوشاند. پس آقایان این روایت را و همچنین فتاوا را بررسی کنند و ببینند آیا کسی به استحباب «کشف وجه» برای زن در حال نماز فتوا داده است یا خیر. اگر کسی متعرض این مسئله نشده باشد، «اعراض» (رویگردانی فقها از یک روایت) محسوب نمی شود. ولی اگر متعرض شده و نسبت به ذیل این

^۱ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۳۰۶، أبواب لباس المصلي، باب ۲۳، ح ۱، ط الإسلامية.

روایت اعراض کرده باشند، سخن دیگری است؛ هرچند این فرض را بسیار بعید می‌دانم. آقایان حتماً این موضوع را بررسی کنند.

اگر اعراضی از سوی فقها یافت نشود و «اعراض» احراز نگردد، این روایت قابل اخذ است و هیچ مانعی ندارد. نظیر آن، همان‌طور که در شرع بیان کردیم، در مسئله طواف وجود دارد و مانعی نیست که فقیه بر طبق آن به استحباب فتوا دهد. روایت به افضلیت تصریح کرده است.

پوشش موی سر در حال نماز

در جلسه گذشته در ذیل مساله ۵ بیان کردیم که زنان باید در حال نماز موی سر خود را بپوشانند ولی کنیز نیاز نیست که موی خود را در حال نماز بپوشانند. و روایات مساله را نیز بیان کردیم.

وجوب پوشاندن موی سر برای زنان در حال نماز، امری مسلم است. روایات متعددی در این زمینه داریم و اصحاب نیز اتفاق نظر دارند و جای تردیدی در آن نیست. اما در مقابل این روایات، روایتی وجود دارد که دو نقل از آن موجود است و هر دو موثق «عبدالله بن بکیر» هستند. چون هر دو به ایشان ختم می‌شوند، ممکن است یک روایت با تعبیر مختلف باشند، اما راویان قبل از «عبدالله بن بکیر» متفاوت‌اند.

موثق عبدالله بن بکیر

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «لَا بَأْسَ بِالْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ الْحُرَّةِ أَنْ تُصَلِّيَ وَهِيَ مَكْشُوفَةُ الرَّأْسِ».^۲

این روایت با نصوص مستفیضه و اتفاق اصحاب در تعارض است. به همین دلیل، تمام اصحاب از این روایت اعراض کرده‌اند. در مقابل، روایات دال بر وجوب پوشش، شهرت دارند و در باب تعارض روایات، قاعده این است: «خذ بما اشتهر بین أصحابك و دع الشاذ النادر». در اینجا، روایات مقابل هم «شهرت روایی» دارند و هم اصحاب از این روایت اعراض نموده‌اند.

^۲ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۲۹۷، أبواب لباس المصلي، باب ۲۹، ح ۵، ط الإسلامية.

مرحوم «صاحب وسائل» برای این روایت متعارض، محمل‌هایی ذکر کرده است؛ از جمله اینکه آنرا حمل بر دختر نابالغ کنیم. یا آنرا مربوط به حالتی بدانیم که زن تنها یک لباس سرتاسری بر تن دارد که از سر تا پا را می‌پوشاند و در این صورت، اگر سرش مکشوف باشد، مانعی ندارد. این‌ها همه توجیهاتی غیرفنی هستند و فی نفسه پذیرفتنی نیستند.

به نظر ما اساساً نوبت به حمل روایت نمی‌رسد؛ زیرا وقتی همه اصحاب از روایتی اعراض کنند، آن روایت ملاک حجیت خود را از دست می‌دهد. علاوه بر این، این روایت با نصوص مشهور که «شهرت روایی» دارند، در تعارض است و از هر جهت مردود است. دلیل اصلی رد این روایت، «اعراض جمیع اصحاب» از آن است.

حکم حجاب برای دختر بچه

در مورد دختر بچه نابالغ به برخی روایات استدلال شده است که نشان می‌دهد «صبیه» می‌تواند در حال نماز سر خود را نبوشاند. همانطور که قبلاً از «صاحب جواهر» نقل شد، نابالغ بودن «صبیه» با این مسئله منافات ندارد که اگر بخواهیم عبادت او را «مشروع» بدانیم - چنانکه مشهور میان اصحاب نیز همین است - باید عبادت او کامل و جامع همه اجزا و شرایط باشد. نتیجه این است که طبق قاعده اولیه او نیز باید سر خود را بپوشاند تا نمازش صحیح باشد.

بنابراین، اگر قرار باشد فتوایی مبنی بر جواز «کشف رأس» برای «صبیه» صادر شود، نیازمند دلیل خاص است. «صاحب جواهر» معتقد است که دلیل این امر، «اجماع» است. اما علاوه بر اجماع، به برخی نصوص نیز در این زمینه استدلال شده است که یکی از آنها روایت یونس بن یعقوب است.

صحیح یونس بن یعقوب

عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ «أَنَّ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي فِي ثَوْبٍ وَاحِدٍ قَالَ نَعَمْ قَالَ قُلْتُ: فَالْمَرْأَةُ قَالَ لَا وَلَا يَصْلُحُ لِلْحُرَّةِ إِذَا حَاضَتْ إِلَّا الْخِمَارُ إِلَّا أَنْ لَا تَجِدَهُ».^۳

این روایت دلالت دارد که برای زن آزاده‌ای که بالغ شده، نماز بدون روسری صحیح نیست، مگر اینکه آنرا نیابد که در این صورت معذور است.

^۳ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۲۹۴، أبواب لباس المصلي، باب ۲۸، ح ۴، ط الإسلامية.

برخی از مفهوم این روایت استفاده کرده‌اند؛ به این بیان که شرط «إذا حاضت» یعنی زمانی که دختر به بلوغ برسد، دلالت دارد بر اینکه اگر بالغ نباشد، پوشیدن خمار واجب نیست.

اما به نظر ما این استدلال صحیح نیست، زیرا این جمله شرطیه برای بیان موضوع حکم است. یعنی موضوع وجوب، کسی است که به سن تکلیف رسیده باشد. وقتی زن بالغ می‌شود، موضوع تکلیف برای او محقق شده و پوشاندن سر بر او واجب است. اما قبل از بلوغ، اساساً تکلیفی بر عهده او نیست و سالبه به انتفاء موضوع است؛ نه اصل نماز بر او واجب است و نه شرایط آن مانند پوشیدن خمار. بنابراین، از این روایت نمی‌توان جواز «کشف رأس» برای «صبیه» را برداشت کرد.

معتبره ابی بصیر

عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «عَلَى الصَّبِيِّ إِذَا احْتَلَمَ الصَّيَّامُ وَ عَلَى الْجَارِيَةِ إِذَا حَاضَتْ الصَّيَّامُ وَالْخِمَارُ إِلَّا أَنْ تَكُونَ مَمْلُوكَةً فَإِنَّهُ لَيْسَ عَلَيْهَا خِمَارٌ إِلَّا أَنْ تُحِبَّ أَنْ تَحْتَمِرَ وَ عَلَيْهَا الصَّيَّامُ»^۴

بر پسر وقتی محتمل شود روزه واجب است و بر دختر وقتی حائض شود، روزه و خمار واجب است. مگر اینکه کنیز باشد که بر او خمار واجب نیست، اما روزه واجب است.

این روایت نیز مانند روایت قبلی است و جواز «کشف رأس» برای «صبیه» را نمی‌توان از آن برداشت کرد.

حجاب کنیزان

رعایت حجاب و پوشش سر برای کنیزان، در مقابل نامحرمان واجب و ضروری است. و فرقی نمی‌کند که کنیز مسلمان باشد یا اهل ذمه باشد. در هر صورت باید حجاب کند. ولی کنیز مسلمان در حالی که نماز می‌خواند رعایت پوشش سر بر او واجب نیست و بلکه برای تمایز بین او و بین زنان آزاد، بهتر است و مستحب است که موی خود را نپوشاند، و حتی اگر نامحرم هم در چنین حالتی او را ببیند ایراد ندارد. ولی در غیر نماز باید موی خود را بپوشاند.

در ذیل معتبره ابی بصیر که اخیراً ذکر کردیم سخن از کنیز مسلمان بود، چون حضرت فرمود که مملوکه خمار ندارد ولی روزه بر او واجب است، و همین جمله قرینه می‌شود که سخن در مورد کنیز مسلمان است، چون روزه بر کافر واجب نیست.

^۴ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۲۹۷، أبواب لباس المصلي، باب ۲۹، ح ۳، ط الإسلامية.

این روایت به صورت مطلق بیان می کند که بر کنیز مسلمان، پوشاندن سر واجب نیست. اما این اطلاق، به قرینه روایات دیگر در همین باب، حمل بر حالت «نماز» می شود. در روایات متعدد دیگر، همین حکم برای کنیز مسلمان در حال نماز بیان شده است. برای مثال، در حدیث هشتم همین باب، از «حماد خادم» نقل شده که از امام صادق (علیه السلام) درباره کنیز پرسید:

«سَأَلْتُهُ عَنِ الْخَادِمِ تُقَنَّعُ رَأْسَهَا فِي الصَّلَاةِ قَالَ اضْرِبُوهَا حَتَّى تُعْرِفَ الْحُرَّةُ مِنَ الْمَمْلُوكَةِ».^۵

حضرت در این روایت فرموده اند که کنیزان را بزنید تا موی سر را در حال نماز نپوشانند، تا زن آزاده از کنیز شناخته شود. این روایت به صراحت نشان می دهد که این حکم مخصوص حال نماز است و کنیز مسلمان باید در نماز سر خود را باز بگذارد.

همچنین، روایت دیگری در «الذکری» از «شهید اول» نقل شده که سند آن معتبر و بلکه صحیح است. «شهید اول» این روایت را از کتاب «علی بن اسماعیل میثمی» - که از بزرگان متکلمین اصحاب بوده و کتاب های کلامی و فقهی داشته - نقل می کند که متن آن چنین است:

«سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْأَمَةِ أَوْ تُقَنَّعُ رَأْسَهَا قَالَ إِنْ شَاءَتْ فَعَلَتْ وَإِنْ شَاءَتْ لَمْ تَفْعَلْ سَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ كُنَّ يُضْرَبْنَ فَيَقَالُ لَهُنَّ لَا تَسْبِهْنَ بِالْحَرَائِرِ».^۶

راوی از امام علیه السلام درباره کنیز پرسیده که آیا سرش را بپوشاند؟ فرمود: اگر بخواهد انجام می دهد و اگر نخواهد، نه. سپس حضرت می فرماید: از پدرم شنیدم که می فرمود: کنیزان را می زدند و به آنها گفته می شد: خود را شبیه زنان آزاده نکنید.

اگرچه در ابتدای این روایت، لفظ «فی الصلاة» نیامده، اما با توجه به روایت قبلی که صراحتاً مقید به نماز بود، این روایت نیز حمل بر حالت نماز می شود.

بنابراین، مجموع این روایات دلالت دارد که بر کنیز مسلمان، در حال نماز، واجب نیست سر خود را بپوشاند، بلکه مستحب است برای تمایز از زنان آزاده، سر خود را مکشوف بگذارد.

^۵ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۲۹۸، أبواب لباس المصلي، باب ۲۹، ح ۸، ط الإسلامية.

^۶ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۲۹۹، أبواب لباس المصلي، باب ۲۹، ح ۱۱، ط الإسلامية.

حکم حجاب برای زن ذمیّه

اما در مورد زن «ذمیّه» (اهل کتاب که در پناه حکومت اسلامی زندگی می کنند)، مسئله متفاوت است. یهودیان و زرتشتیانی که در جمهوری اسلامی ایران زندگی می کنند، همگی محکوم به شرایط «ذمه» هستند، زیرا آبا و اجداد آنها تحت این شرایط بوده اند. یکی از احکام اولیه و ذاتی پیمان ذمه این است که اهل ذمه باید «معالم شریعت» و احکام ضروری دین اسلام را در «ملاء عام» رعایت کنند. از جمله ضروریات دین، مسئله «حجاب» است. بنابراین، این بزرگوارانی که تلاش می کنند بی حجابی را با این گونه مسائل رواج دهند، به این نکته توجه ندارند.